

کارکرد الگویی رسالت و امامت و نقش آن در سبک زندگی خانوادگی

pirhadi23@gmail.com

enayat.sharifi@yahoo.com

rastgar147@gmail.com

کلیه علی پیرهادی / دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی

عنایت‌الله شریفی / دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی

مریم رستگار / دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه قم

دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۵

چکیده

امروزه «سبک زندگی» اصطلاح جدیدی است که بسان ابزاری نرم در تغییر هنجارها عمل می‌کند، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی درصدد تحلیل رابطه و تأثیر کارکرد الگویی امامت و رسالت در سبک زندگی، در عرصه خانواده است. با تبیین سبک زندگی و توصیف کارکرد الگویی معصومین^ع در جهان‌بینی اسلامی، تصویری روشن از رابطه منطقی و جایگاه راهنما در سبک زندگی به دست می‌آید. حضرات معصومین^ع به لحاظ کارکرد الگویی، منبع و منشأ «سبک‌سازی» است. این نقش متضمن فواید تربیتی الگو از جمله شاکله‌مندی، بهره‌وری زمان، پیشگیری و... است. در نهایت تصویر مدل الگویی سبک زندگی معصومین^ع در مؤلفه خانواده، نشانگر اهتمام به سبک‌سازی با شاخصه «تعالی حداکثری» و «استقامت عملی»، در سبک زندگی مؤمنانه است که با ترجیح پاداش اخروی به لذت دنیوی، مسئولیت‌پذیری به سهل انگاری، سخت‌کوشی به عافیت‌طلبی، ساده‌زیستی به تجمل و دیگرخواهی به خودخواهی و... نمود یافته است.

کلیدواژه‌ها: رسالت و امامت، خانواده، سبک زندگی، معصومین^ع الگو.

بی‌تردید ورود واژگان و اصطلاحات برگرفته از سایر فرهنگ‌ها، در فرهنگ جامعه اثرگذار است. ضروری است برای رفع ناهنجاری و هنجارسازی متناسب با فرهنگ بومی، با تطبیق محمل‌ها و بسترهای مرتبط، چگونگی اثرگذاری مثبت و منفی آن بررسی شود. «سبک زندگی»، نمونه‌ای از این اصطلاحات است که با خاستگاه غربی، پیشینه‌ی طرح آن بیش از یک قرن است. ویلن (۱۹۲۹)، اولین اندیشمندی بود که به این مسئله پرداخت. پس از وی، آدلر (۱۹۳۷) از این واژه به‌عنوان یک اصطلاح در روان‌شناسی فردی استفاده نمود. وبر (۱۹۲۰)، این اصطلاح را به‌طور مفصل در علم جامعه‌شناسی به کار گرفت. اندیشمندان دیگری نیز مانند زیمل، بوردیو و... این واژه را در فلسفه خود به کار گرفته‌اند (گیدنز، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹). معنای سبک زندگی، بر اساس رویکرد علمی دانشمندان و گرایش‌های محققان، به اشکال گوناگونی تعریف شده است: برخی با رویکرد جامعه‌شناسی (همان)، برخی با رویکرد روان‌شناسی (همان) و... به این اصطلاح پرداخته‌اند. اغلب از فرایند شکل‌گیری سبک زندگی، یا نماد بودن آن و مسائلی از این قبیل بحث می‌کنند. برای تعیین معنای مقصود باید گفت: سبک زندگی به‌معنای «گزینش الگوهای رفتاری با قابلیت استمرار و متأثر از اعتقادات و باورها یا احساسات و امیال است که متناسب با مقتضیات زمان و محیط، به‌طور آگاهانه یا نیمه‌آگاهانه، در تمامی ابعاد زندگی تحقق می‌یابد». این تعریف، نزدیک به‌معنای لغوی یعنی «انتخاب و ترجیح شیوه‌های رفتاری در ابعاد زندگی» است.

برای تطبیق این اصطلاح با هنجارهای فرهنگی، این پژوهش با این فرضیه که سبک زندگی متأثر از اعتقادات و باورهایست، اولویت تطبیق را با اعتقادات اساسی و تبیین رابطه آنها با سبک زندگی، در عرصه‌های بنیادین نظیر خانواده می‌داند. این امر می‌تواند به صورت ریشه‌ای به حل مشکل رهنمون شود. راهنماشناسی از باورهای اساسی و یکی از اصول اعتقادات در اسلام است و رسالت و امامت، تحت عنوان عام معصومین^ع از مصادیق آن است که با دو ویژگی عصمت و گزینش از ناحیه پروردگار، دارای کارکردهای متعددی است. از عمده کارکردهای آن، کارکرد الگویی و اسوه‌ای در زندگی است.

ازاین‌رو، مسئله اصلی این نوشتار عبارت است از: کارکرد الگویی امامت و رسالت، چه نقشی در سبک زندگی، خانوادگی دارد؟ با تطبیق این کارکرد و سبک زندگی به‌عنوان مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری؛ «الگو» نقطه تماس، تلاقی و وجه مشترک راهنماشناسی با سبک زندگی است. ازاین‌رو الگو، که مورد توجه علوم جدید از جمله روان‌شناسی، علوم تربیتی و روان‌شناسی اجتماعی است، در اسلام نیز مورد اهتمام ویژه‌ای است؛ بدین بیان که تقلید از خصوصیات طبیعت در تمامی جانداران در راستای هدایت‌گریزی است. این امر در انسان اختیارمند، با گرایش‌های درهم تنیده متضاد، دارای ضرورت مؤکد است که اسلام در پاسخ به این نیاز طبیعی و برای کارآمدی بیشتر در مدیریت زندگی، با توجه به تأثیر مهم و سازنده الگو در تربیت، اسوه‌ها و برترین نمونه‌ها در انسانیت را معرفی نموده است. قرآن کریم اطاعت از این مصادیق برجسته و اسوه را تکلیفی بر کمال‌جویان می‌داند: «آنچه رسول خدا برای شما آورده

بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید» (حشر: ۷). «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند» (احزاب: ۲۱).

معصوم، با اجرای شریعت در زندگی، خود تحت عنوان الگو و اسوه، مجری آن است. بنابراین، دامنه بحث این نوشتار، ناظر به جایگاه الگویی معصومین^ع در زندگی در رفتار و فعل است. امام و رسول، در این مقام، آینه تمام نمای الگوی سبک زندگی مطلوب الهی هستند؛ که به آنچه دستور می‌دهند، پیش از دیگران، بدان عاملند و مصداق کامل: «با کردار و رفتارشان مردم را به حق دعوت کنید نه فقط با زبان و گفتار» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵، ص ۱۹۸) هستند. چنان که رسول خدا^ص می‌فرمود: «همان‌گونه که من نماز می‌گذارم شما نیز نماز گذارید» (همان، ج ۸۵، ص ۱۷۹). حضرت علی^ع نیز فرمود: «به خاندان پیامبران بنگرید و همراه آنان باشید؛ به هر سمتی که گام برمی‌دارند شما هم به همان سمت گام بردارید» (نهج‌البلاغه، خ ۹۷).

در بیان چگونگی این رابطه باید گفت: کارکرد و نقش الگویی امامت و رسالت، مساوی با تعیین سبک زندگی اسلامی است. به عبارت دیگر، تصویر سبک زندگی بر مبنای جهان‌بینی اسلامی، در قالب و قامت امام و رسول مشاهده می‌شود. معصومین^ع آینه تمام نمای سبک زندگی مطلوب الهی‌اند. بنابراین، تصویر دقیق معنای سبک زندگی اسلامی در مرحله اجرا، چیزی جز کارکرد الگویی و اسوه‌ای معصومین^ع نیست. می‌توان چنین ادعا نمود که سبک زندگی مورد اراده خداوند، در راستای رسیدن به کمال، توسط معصومین^ع دریافت، ارائه و به تصویر کشیده شده است.

نکته مهم و قابل تأمل الگو در بُعد «رفتار»، نقش آفرینش سبک و «سبک‌سازی» است که جایگاه راهنما در این عرصه، عینیت‌بخشی به سبک زندگی اسلامی برآمده از سیره و منش معصومان^ع به‌عنوان «منبع و منشأ سبک زندگی» خواهد بود.

پرداختن به همه ابعاد زندگی حضرات معصومین^ع، پژوهش‌های گسترده‌ای می‌طلبد. در این نوشتار، عرصه خانواده به‌عنوان اولین و کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، از مؤثرترین بستر تربیت، محبوب‌ترین و ارزشمندترین بنیان نزد خداوند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۹) و البته مورد هجمه نرم فرهنگی، مورد پژوهش خواهد بود.

از جمله آثار کاربردی مفید و سازنده وجود الگوی معصوم در خانواده عبارت است از: «پیشگیری» از انحراف و اختلاف احتمالی در خانواده، به‌ویژه در بستر اصطکاک مسئولیت‌ها و منافع در خانواده است. همچنین، الگو از عوامل هدف‌داری و هویت‌مندی زندگی است که آثاری چون «شاکله‌مندی، انسجام و همدلی» بین اعضای خانواده را در پی دارد. از جهت سلبی نیز با رفع بالاتکلیفی و تحیر، مانع تشنج در خانواده خواهد شد.

به علاوه، وجود الگو موجب «بهره‌وری در زمان و سرعت در رسیدن به مطلوب» می‌شود. بدین ترتیب، رهرو، با وجود راه بلد بی‌نیاز از آزمون و خطا، با هزینه کمتر، سرعت بیشتر و اطمینان بالاتر، که در این مکتب، راه را با هدایتی حتی فراتر از راهنمایی صرف و به نحو ایصال به مطلوب می‌پیماید (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۷۲).

این مهم، در سبک زندگی خانوادگی به دلیل اختلاف امیال، تراحم آرا و تکثر فرصت‌ها با ضرورت بیشتر، موجب تحلیل اختلافات، توسعه موفقیت و برکت در خانواده می‌شود.

با این اوصاف، تصویر سبک زندگی خانوادگی معصومان^{علیهم‌السلام} منوط به جست‌وجو در سیره خانوادگی آنان است، به‌ویژه در دوران دویست و پنجاه سال دوران حضور در تاریخ ثبت شده و در دسترس است. این پژوهش، درصدد ترسیم آن و تحلیل شاخصه‌های آن است.

پیشینه پژوهش

با توجه به رؤیاریی این مقاله با سه ضلع الگو، معصومان و سبک زندگی خانوادگی، در پیشینه این پژوهش آثار فراوانی پیرامون هر یک، به طور مستقل یا مشترک، به چشم می‌خورد، به‌ویژه پس از طرح مقوله سبک زندگی توسط رهبر معظم انقلاب و تأکید مکرر ایشان بر آن، از زوایای مختلف، بخصوص در همایش‌های گوناگون به این مقوله پرداخته و آثار متعددی خلق شده است. از جمله آثار نزدیک به موضوع کتاب‌های، *دین و سبک زندگی* اثر سعید مهلوی‌کنی، *همیشه بهار* اثر احمدحسین شریفی، *سبک زندگی اسلامی و ابزارهای سنجش آن* اثر محمد کلویانی است که به نقش دین و منابع دینی در سبک زندگی پرداخته‌اند. همچنین مقالات: «الگوی سبک زندگی توحیدی با چشم‌انداز خلیفه‌اللهی» از *ندا جعفری فشارکی* که به مبانی سبک زندگی پرداخته، «اسوه‌پذیری از نگاه قرآن» از *سیدمهدی سلطانی* و «روش الگویی در تربیت اسلامی» از *محمدرضا قائمی‌مقدم*، «نقش الگوهای رفتاری در سبک زندگی اسلامی» از *امیرحسین کامرانی‌راد* و «نقش الگو در تربیت دینی» از *علیرضا ناصری*، به واکاوی نقش الگو در تربیت پرداخته‌اند. مقاله «بررسی الگوی آرمانی سبک زندگی از دیدگاه اسلام» از *هادی حسن‌دوست فرخانی* و همکاران، به مدیریت بدن و الگوی رفتار و مصرف، «سبک زندگی ائمه در امور معیشتی و بازتاب آن در زندگی اجتماعی شیعیان» از *محسن الویری*، به امور معیشتی توجه نموده است. مقالات «مختصات سبک زندگی خانواده اسلامی با محوریت سنن النبی» از *عزت‌السلطات میرخانی* و *فریبا ولدبیگی* و «زندگی و سیره حضرت زهرا^{علیها‌السلام} به‌عنوان الگوی سبک زندگی دینی» از *بهاء‌الدین قهرمانی‌نژاد شایق* و «سبک زندگی فاطمی» از *عبدالکریم بهجت‌پور*، به بررسی یک معصوم پرداخته‌اند. همچنین مقاله «انتظار الگوبخش سبک نوین زندگی امروزی» از *حسین الهی‌نژاد* به رابطه انتظار پرداخته است. بنابراین، اغلب پژوهش‌ها کلی یا پیرامون بخشی از موضوع‌اند.

همچنین، برخی آثار علی‌رغم فراوانی، قرابت و سختی بیشتر با موضوع، به روش میدانی به موضوع پرداخته‌اند و از حیث روش متفاوتند، یا در قالب سخنرانی و تبلیغ در رسانه‌ها و سایت‌ها آمده‌اند که نیازی به بیان آنها نیست. وجه مشترک پژوهش‌های فوق، عدم تفکیک روایات تعلیمی و روایات مختص سیره و سنت، به‌عنوان منشأ سبک زندگی است. نوآوری این پژوهش، تنقیح جایگاه سبک‌سازی و بازخوانی انحصاری به روایات سبک و سیره و نه روایات تعلیمی، در پاسخ به مسئله اصلی پژوهش، در ترسیم سبک زندگی خانواده است. تحقیق علمی مستقلی، که

با رویکرد فوق و به صورت جزئی به مسئله پردازد، مشاهده نمی‌شود. این موضوع، به جهت مبنایی بودن، ضرورت آن قابل توجه و می‌تواند به‌عنوان تحقیق راهبردی و پایه، در پیشبرد علمی و عملی سبک زندگی اسلامی به کار آید. با توجه به ترویج هدفمند سبک زندگی غربی، اهمیت این مسئله دو چندان است.

از این رو، مواردی که طی سیر منطقی ساختار خانواده بیان می‌شود، منحصر در احادیث و روایات تاریخی سیره عملی معصومین علیهم‌السلام است. در این بُعد، بیشترین احادیث موجود در عرصه خانواده، پیرامون زندگی خانوادگی حضرت علی علیه‌السلام و حضرت زهرا علیها‌السلام با ویژگی‌های ذیل است:

الف. هر دو زوج معصومند؛ و به همراه عصمت و الگو بودن خود، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حسنین علیهم‌السلام به‌عنوان پدر و فرزندان، بسته کاملی از خانواده اسلامی را به نمایش گذارده‌اند.

ب. نقش اسوه‌ای و یگانه حضرت زهرا علیها‌السلام در بین زنان، که حتی برای مردان نیز به تصریح امام عصر علیه‌السلام در جای خود الگوی نیکوست (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۸۶).

ج. برای سایر معصومین علیهم‌السلام، به نوعی ملاک و معیار بوده که تقید به آن داشته و با تعبیری چون: «کان رسول‌الله، من اخلاقه، من سنته و کان امیرالمؤمنین...» استناد می‌نمودند (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۳۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۳۶۴).

روش پژوهش

در این پژوهش، گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای است که با جست‌وجو از کتاب‌های مرجع، مقالات علمی و نرم‌افزارهای علمی انجام می‌شود. روش تحقیق، توصیفی تحلیلی است که با توصیف عملکرد معصومین علیهم‌السلام در ابعاد مختلف خانواده، با تحلیل محتوای احادیث و روایات به کشف شاخصه‌ها می‌پردازد. تکرار و استمرار یک رفتار و تصریح به عمل، مشروط به اینکه خود متناقض نبوده و هماهنگ با قرآن و دستورات الهی باشد، به مثابه تثبیت سبک زندگی است و نشانگر اهتمام و تأکید هدفمند معصومین علیهم‌السلام به آن عمل، برای نهادینه‌سازی رفتار است. به عبارت دیگر، چنانچه اکثر معصومین، ملتزم به رفتاری باشند، یا یک معصوم مکرر اهتمام به عملی داشته و یا در بیان معصومین علیهم‌السلام تأکید و تصریح بر انجام فعلی با عباراتی نظیر «سنتی» و... باشد، تحلیل چرایی و علت استمرار و تأکید، تولید شاخصه می‌کند. میزان اهتمام، بیانگر آن است که جهت‌گیری طرح شاخصه‌ها با نگاه به چالش‌ها و ناهنجاری‌های امروز مسائل خانواده است و در سبک زندگی نقش راهبردی و کاربردی دارد.

مدل تحقق یافته سبک زندگی خانوادگی معصومین علیهم‌السلام

وجود آزادی عمل در سبک زندگی تجویزی اسلام، به واسطه تخیر بین احکام پنج‌گانه (مباح، واجب، مستحب، مکروه و حرام) و دشواری انتخاب به دلیل مراتب ایمان، استعدادها و تنوع شرایط و اقتضاء زمان، وجه ضرورت رویکرد به الگوست. جنبه کاربردی این پژوهش، منوط به تصویر سبک زندگی معصومین علیهم‌السلام و انعکاس کارکرد

اسوه‌ای رسالت و امامت است. از این رو، تصویری از سبک زندگی معصومین علیهم‌السلام در عرصه خانواده، به دلایل پیش گفته و نقش بنیادین آن در آرامش و آسایش و مرکز ثقل هجمه نرم فرهنگی دشمن نیز قوت توجه به این مقوله، دامنه این فصل است. مسائل خانواده در سبک زندگی معصومین علیهم‌السلام در ترتیب منطقی ذیل قابل ارائه است.

تشکیل خانواده

ازدواج

سیره قطعی و عملی معصومین علیهم‌السلام، تأکید بر تشکیل خانواده و پرهیز از تجرد، به عنوان سنت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۲). پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وقتی خبر ازدواج کسی را می‌شنید، می‌فرمود: «دینش کامل شد!» (همان، ص ۳۲۸). اگر ترک ازدواج فضل و کمال بود، پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت زهرا علیها‌السلام به طریق اولی ازدواج نمی‌کردند (همان، ص ۵۰۹). بنابراین، علی‌رغم اینکه ازدواج در تجویز اسلام، امری مباح است، اما اقدام و تأکید همه معصومان علیهم‌السلام به ازدواج، نشان از سبک زندگی بودن ازدواج است. این تأکید، بیانگر نقش تشکیل خانواده در اهداف آفرینش انسان و گذر کمال انسانی از مسیر اجتماع است. خانواده اولین کانون آن و سبک زندگی اسوه‌ای معصومان علیهم‌السلام نفی فردگرایی و تجرد است. این نگاه واقع‌بینانه به انسان، در نگاه الگو به هدف و گزینش او در انتخاب نزدیک‌ترین مسیر به هدف است. از این رو، بستر خانواده، عامل تأمین نیازهای حقیقی و مانع بسیاری از ناهنجاری‌هاست.

معیار انتخاب همسر

همسانی و همتایی زوجین و «کفویت»، امری بدیهی در تحکیم خانواده و مورد تأکید اسلام است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۳). اما اختلاف در نوع کفویت، مایه بروز سبک‌های متنوع می‌شود که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دامنه آن را در ازدواج حضرت زهرا علیها‌السلام ترسیم نموده‌اند و با رد خواستگاران، منتظر مراجعه کفو ایشان بودند (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۳۶) که با خواستگاری حضرت علی علیه‌السلام، این همتایی تحقق یافت. آن حضرت مهم‌ترین ملاک کفویت را خیر و خوب بودن در دین، اخلاق و فضیلت می‌دانند: «... فَلَقَدْ زَوَّجْتُكَ خَيْرَ أُمَّتِي أَقْدَمِهِمْ سَلْمًا وَأَكْثَرَهُمْ عِلْمًا وَأَعْظَمَهُمْ حِلْمًا؛ و...» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۶۲ و ۳۷۰؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۸۵). اهمیت این مقوله به حدی است که علی‌رغم عرف و طبیعت خواستگاری، که از ناحیه مرد است، چنانچه جوانی، دارای شرایط مناسب باشد، خانواده زن می‌تواند پیشگام ازدواج شود. نمونه قرآنی آن، حضرت موسی علیه‌السلام است که با شناخت او به امانت‌داری، قوت جسمانی و حسن خلق، پیشنهاد ازدواج می‌شود (قصص: ۲۶-۲۷). این داستان در واقع، بیان و تأکید معیار همسر مناسب است. البته می‌توان معیارهای فوق را معیارهای حتمی و شرط لازم معیارهای انتخاب همسر نامید. بر این اساس، سایر معیارهای همسر خوب، در عرف و عقل مانند سن، ظاهر، نژاد و... در اولویت‌های بعدی، به عنوان معیارهای غیرحتمی و شرط حسن قرار دارند که برخی از آنها، در روایات عبارتند از: ظاهر (ر.ک: صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۶، ۳۸۷ و ۳۹۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۴-۳۲۵ و ۳۳۵)، حسن تبعل یعنی خوب همسررداری

(کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۴-۳۲۵). از این رو، این گونه موارد، اگر چه مطلوبند ولی حتمی شمرده نمی‌شوند. بنابراین، در صورت وجود کفویت دینی و اخلاقی این موارد، قابل چشم‌پوشی است. همچنان که پیامبر اکرم ﷺ، علی‌رغم عدم تناسب سنی و مالی با خدیجه ﷺ ازدواج نمودند. عقد نکاح بین سیاه و سفید، زشت و زیبا جاری نموده‌اند؛* این عملکرد، نشانگر «واقع‌بینی و دوراندیشی» و نه انتخاب احساسی است که پایه و اساس تحکیم خانواده است. از سوی دیگر، به جهت اینکه خانواده بستر تربیت است، هماهنگی زوجین در اندیشه و رفتار، مقدمه تربیت صحیح و سالمه به انتفاء موضوع بسیاری از ناهنجاری‌هاست.

مهریه

از مباحث مهم ازدواج در سیره معصومین ﷺ، «مهریه» به‌عنوان حق مسلم زن است که در آیات و روایات، با تعبیری نظیر صدق، نخله، فریضه (نساء: ۲۴)، ... در ادبیات فارسی «کابین»، آمده است. رایج‌ترین واژه، «مهریه»، نشانه صدق در عشق و علاقه به همسر است که در سیره معصومان ﷺ، دارای ویژگی‌های متفاوت با عرف است.

- کم بودن مهریه: بنای اسلام در مهریه بر رضایت طرفین، بدون محدودیت کمی است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵ ص ۳۷۸). اما در سبک زندگی معصومان ﷺ، قلت مهریه رایج و نشان برکت و میمنت زن است (طبرسی، ۱۴۲۲ق، ص ۱۹۸). فاطمه زهرا ﷺ در شرایطی که زنان به مهر خود می‌بالیدند، به واسطه مهر کم، مورد طعن و کنایه بودند (طبری آملی، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۰). البته میزان مهریه در سنت رسول خدا ﷺ به مقدار پانصد درهم با عنوان «مهرالسنة» مشهور است که مهریه زنان حضرت بود (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۹۹). مستحب است مهر زنان امت آن حضرت نیز به همین مقدار باشد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۲۴۴). اهل بیت ﷺ به رعایت این سنت نبوی مقید بوده‌اند و با پرهیز از تجاوز، در صورت تمایل به بخشش بیشتر، آن را جدای از مهریه اعطا می‌فرمودند تا عامل خروج از سیره و سنت پیامبر ﷺ و رواج مهریه‌های سنگین نشوند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۹۷؛ ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۳۹).

- تناسب با استطاعت مالی: معصومان ﷺ، مقید به استطاعت در پرداخت مهریه، به انحاء مختلف نقد، معادل کسب و کار، تعلیم قرآن و... بودند. نمونه آن، مهریه حضرت زهرا ﷺ با فروش زره حضرت علی ﷺ فراهم شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۲۷)، یا مهریه همسر موسی ﷺ، که با توجه به شرایط زندگی آن حضرت، هشت الی ده سال خدمت به پدر همسر تعیین شد (قصص: ۲۷).

نگاه حقیقی به مهریه، به‌عنوان دین و نفی موانع ازدواج، در این مؤلفه در مسائل مادی و اقتصادی جلوه دارد. با هدف تسهیل ازدواج، بیانگر نوعی دیگرخواهی و جامعه‌گرایی در سبک زندگی معصومین ﷺ است.

جهیزیه

وسایل شروع زندگی مشترک، در زندگی معصومان ﷺ بی‌آلایش و در حد نیاز بوده است. فاطمه زهرا ﷺ با جهیزیه اندک حاصل از فروش زره امیرمؤمنان ﷺ، به خانه همسرش رفت که شامل پیراهنی به مبلغ هفت درهم، نقابی چهار

درهمی، قطیفهٔ مشکی خیبری، تخت بافته شده از لیف خرما، دو عدد تشک پر شده از لیف خرما و پشم، چهار متک از پوست طائف پر شده از علف، پرده‌ای پشمی، حصیری حجری، آسیاب دستی، بادیه مسی، ظرف آب‌خوری از پوست، کاسه‌ای چوبی، مشک آب، آفتابه، سبوی سبز و کوزه‌های سفالی بود. وقتی جهیزیه را به رسول خدا ﷺ عرضه کردند، فرمود: «خداوند اینها را برای اهل بیت من مبارک نماید!!» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۱۶). شاخصهٔ برجستهٔ این رفتار، توجه به نیازهای ضروری، زهد و نفی تجمل‌گرایی برای سهولت ازدواج است.

مراسم ازدواج و ولیمه

مراسم ازدواج سرور زنان جهان، الگویی برای ازدواج اسلامی است. پیامبر اعظم ﷺ مراسم ازدواج را به همراه اعلان، جشن، سرور و خطبه‌خوانی برگزار نمود و به زنان مجال جشن و شادمانی داد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۱۴-۱۱۷؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۰۸) و دستور فرمود: نکاح علنی با سر و صدا یا دود آتش باشد (ر.ک: نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۱۹۹؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۲۶۶). در ازدواج امیرالمؤمنین با حضرت فاطمه، درحالی‌که افسار شتر در دست سلمان بود، پیامبر ﷺ در پیشاپیش شتر به همراه جمع با تکبیر، شعر و رجزخوانی تا خانهٔ شوهر بدرقه و همراهی کردند، وقتی به خانهٔ علی ﷺ رسیدند، پیامبر ﷺ پیش رفته و فاطمهٔ زهرا ﷺ را از مرکب پیاده نموده، آنگاه دست او را گرفته در دست حضرت علی ﷺ نهاده و سپس با سخنان گهربار، بذر عشق و محبت را با تمجید از آنها در دل ایشان کاشتند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۹۷-۳۹۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۱۵۷؛ طبری آملی، ۱۴۱۳، ص ۹۵؛ جزائری، ۱۳۸۱، ص ۷۱۸). خود ایشان طبق سنت پیامبران ﷺ، دست به کار پخت غذای ولیمه شدند (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۴۰۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۹۴) و فرمودند: عروسی بدون ولیمه نمی‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۱۳۷) و آن را سنتی پسندیده در امت خود معرفی کردند (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۵۰)، و فردای عروسی، با کاسه‌ای از شیر حضرت علی ﷺ و حضرت زهرا ﷺ را پذیرایی کردند (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۵۶). شاخصهٔ این عملکردها، مشارکت اجتماعی فعال در امر ازدواج، ترسیم نشاط و شادی معتدل و نفی اسراف در جهت تنظیم رفتار اقتصادی و فرهنگی جامعه است.

در مجموع، به نظر می‌رسد همهٔ شاخصه‌های این مقوله، در تعقیب یک هدف و آن، تسهیل زمینهٔ ازدواج برای تشکیل خانواده و نفی تجرد است. به عبارت دیگر، اسوه با انسان‌شناسی و واقع‌بینی در نیازها، سبکی را گزینش و ارائه می‌دهد که برآورندهٔ نیازهای حقیقی، در رسیدن به کمال است که لازمهٔ آن، نفی فردگرایی است که ریشه در تمایلات و احساسات و دل‌کنند از برخی لذات دنیوی دارد. در برخی شرایط و اقتضائات، گذشتن از آن، نوعی جهاد و استقامت جدی می‌طلبد.

فرزندآوری و تربیت فرزند

میل به فرزند و استمرار نسل، خواست طبیعی و از اهداف مهم تشکیل خانواده است. حضرت زهرا ﷺ در عنفوان جوانی صاحب پنج فرزند شدند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۴) و در عمل همهٔ معصومان ﷺ کثرت اولاد مشهود

است. به دلیل اهمیت این موضوع، مقید به آداب ویژه‌ای به هنگام تولد بوده‌اند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۱۱). همچنین، به افرادی که به دلایلی صاحب فرزند نمی‌شدند، ادعیه و اذکاری تعلیم می‌دادند (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۲۸-۴۲۹). نمونه قرآنی آن، دعای حضرت زکریاست (مریم: ۵). معصومان علیهم‌السلام پیش از پرسیدن از جنسیت کودک، با دعا، تبریک و تحنیت ولادت کودک، با اظهار شادمانی (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۱۲) و به‌کارگیری تعابیری آمیخته با ارزش‌های معنوی، آموزنده و یادآور، شکر پروردگار و دربرگیرنده دعا برای پدر و مادر و آینده نوزاد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۱۷)، به تأثیر مستقیم اظهار شادمانی دیگران در والدین و در اشتیاق آنان به تربیت فرزند توجه داشته‌اند؛ چرا که دعا، محبت، شیردادن و رسیدگی با طیب خاطر، در شکل‌گیری بهتر شخصیت، سلامت و رستگاری کودک، در هر مرحله از تربیت مؤثر است. چنان‌که در روایات و سیره تربیتی معصومین علیهم‌السلام، دعا برای فرزند در مراحل مختلف، از جمله هنگام برداشتن کام کودک، عقیقه، نامگذاری، ازدواج و عقد، ورود بر همسر و آمیزش، و... وارد شده است. معصومان علیهم‌السلام در سیره خود، با عمل بدان، علاوه بر تأثیر معنوی و جسمی، به تأثیر تربیتی و تلقینی کودک نیز توجه داشتند.

«فرزند عزیز و تربیت او عزیزتر»، در این راستا روایات بسیاری ناظر به اهمیت تعامل والدین، نسبت به کودک در جهت حسن ادب در دست است و در روایات، ادب برترین میراث بر جا مانده از خانواده است (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۰۷). البته موفقیت والدین زمانی است که خود نیز با حساسیت، عامل به ارزش‌های دینی باشند، مسئله‌ای که در سبک و سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام مشهود است. روش‌ها و عوامل مؤثر در تربیت فرزند در سبک فرزندپروری معصومان علیهم‌السلام را می‌توان این‌گونه بیان نمود:

تقید به آداب و رسوم

آداب معاشرت، عقیقه و صدقه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۲۵)، تحنیک (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۵۹۰) و برداشتن کام با تربت امام حسین علیه‌السلام و آب فرات (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۳۸) ختنه (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۸۷)، تراشیدن سر، گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد، دعا برای او، انتخاب نام نیک و با مسمی، تغییر نام نامناسب برخی افراد به نام نیک، سنت و سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و معصومان علیهم‌السلام بوده است. اهمیت نامگذاری در این نگاه، به حدی است که حتی پیش از تولد کودک، با هم‌فکری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به انتخاب زیباترین نام برای فرزندان‌شان اقدام می‌نمودند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۴، ص ۱۲۷). نمونه بارز، نام‌گذاری فرزند حضرت زهرا علیها‌السلام پیش از تولد، به محسن؛ چرا که کودک را پیش از تولد دارای روح، شخصیت و احترام می‌دانستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۱۸). همچنان‌که کودکان‌شان را با کمال محبت و احترام با عناوین زیبایی چون ام‌ایهبا، ولدی، بنی، قره عینی، ثمره فؤادی، بضعتی، فداک، و... می‌خواندند (نمونه چنین گفتاری در حدیث کساء مشهود است. رک: شهیدثانی، بی‌تا، ص ۱۵۴).

استفاده از شیوه الگویی

اهل‌بیت علیهم‌السلام همواره خود عامل به توصیه آموزشی و تربیتی: «كونوا دعاة الناس بغير الاستكتم» بودند. کودکان پیش از

هر چیز خود شاهد رفتار والدین در نوع ارتباط زناشویی، پدر و فرزندی، رعایت احترام و صمیمیت، دلسوزی و صداقت، ایثار، مهریانی و عبودیت بودند و پیش از هر چیز بر جانشان می‌نشست و از آن الگو می‌گرفتند. نمونه چینی رفتاری، در سراسر حدیث کساء مشهود است و روایاتی که در آن فرزندان از شیوه رفتاری والدین نقل می‌کنند. مداومت در قرائت قرآن و کثرت ذکر (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۱۶۰)، نحوه دعا (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰، ص ۲۳۵)، توجه و توکل به خداوند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۴۲)، زهد و تقوا (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۹۵)، دادن صدقه و توجه به نیازمندان (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۰۷)، قردانی و پرهیز از اسراف (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۲۸۳)، رعایت آداب اجتماعی و میهمان‌داری (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۵۲۸) و... بیانگر توجه به این بعد است. به‌عنوان نمونه، عبودیت حضرت زهرا[ؑ] و حضرت علی[ؑ]، نوع خضوع و خشوع، کیفیت دعا و نماز شب ایشان به وقت نماز به روایت حسنین[ؑ] (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۶۸)، خضوع و خشوع امام علی و امام مجتبی[ؑ] در بیان امام سجاده[ؑ] و همان شیوه از امام سجاده[ؑ] به نقل از فرزندش (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۴۳)، رعایت احترام به قبر نبی اکرم[ؑ] توسط امام سجاده[ؑ] به نقل از فرزندش امام باقر[ؑ] (عریضی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۱۸) و... قابل ذکر است.

شخصیت‌بخشی به کودک

در این سبک، با حفظ و ترویج سنت نبوی در سلام کردن به کودکان (شهیدثانی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۹)، جای دادن کودکان در صف‌های نماز (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۴)، پرهیز از عیب‌جویی و سرزنش، وفای به وعده و صداقت و راستی بر روابط والدین با فرزندان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۰)، استفاده از لحن پیشنهادی در کلام، به جای شیوه آمرانه، و نهی کودکان از کار خلاف به شیوه‌هایی غیرمستقیم (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۴۵۴)، رعایت مساوات بین فرزندان حتی در بوسیدن، از جمله موارد شخصیت‌بخشی به کودک است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۸۵).

بازی با کودک

سیره معصومان[ؑ] در سرگرمی‌ها و بازی‌های کودکان، رفتارهای جالب در مقابل چشمان متحیر اطرافیان و صحابه دوران کوتاه، پس از جاهلیت است که در این زمینه، از انواع روش‌های هدفمند و آموزنده، بهره می‌جستند (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۸۹۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۸۹).

– روش کودک شدن: رسول خدا[ؐ] با سوار کردن فرزندان دخترش، حسنین[ؑ] بر پشت خود می‌فرمود: «شتر شما چه شتر خوبی است و شما چه سوارکاران خوبی!» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۲۸۵–۲۸۶)، یا حضرت زهرا[ؑ] به توصیه پدر:

«من کان عنده صبی فلیتصاب له» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۸۴)، با کودکان همچون کودکان بازی می‌کرد.

– استفاده از قالب شعر و قصه: حضرت زهرا[ؑ] در قالب شعر، هم کودک را به بازی می‌گرفت و با او ارتباط عاطفی برقرار می‌کرد و محبت خود را ابراز می‌نمود و همزمان، مسائل معرفتی و اعتقادی را به فرزند تعلیم می‌داد و اسباب نشاط سایر افراد خانواده را نیز فراهم می‌نمود (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۸۹۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۸۹).

- برگزاری مسابقات: مسابقه خطاطی بین فرزندان حضرت زهرا^{علیها السلام} یا مسابقات کشتی بین حسین^{علیه السلام} در حضور رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} و امیرالمؤمنین^{علیه السلام} و حضرت زهرا^{علیها السلام} انجام می‌گرفت (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۱).

- برقراری گفت‌وگو و مباحثه علمی: از جمله مباحثه علمی بین حضرت علی^{علیه السلام} و حضرت زینب^{علیها السلام} (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۲۱۵) و یا توجه ویژه حضرت فاطمه^{علیها السلام} و تشویق کودکان در گفت‌وگوهای علمی و بیان نطق علمی به گونه‌ای که امام حسن مجتبی^{علیه السلام} در کودکی با شوق و اشتیاق، مواعظ و کلمات پیامبر^{صلی الله علیه و آله} را به ذهن می‌سپرد و طبق سفارش مادر، برای او بازگو می‌کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۳۳۸). از شاخصه‌های عمده این سبک و سیره، اهتمام به تربیت و تقویت بعد انسانی انسان در اندیشه و عمل، با استفاده از ابزارها و روش‌های متنوع نرم فرهنگی و... است که نیازمند، صرف وقت و انرژی و البته هماهنگی با نیازهای حقیقی انسان است که محصول آن، نفی فردگرایی و مبارزه با جهل، کبر و خودخواهی است که در هر عصری قابل اجراست.

روابط خانوادگی

مهرورزی و توجه به نیازها و ظرافت‌های زن

روابط معصومان^{علیهم السلام} با همسرانشان بر پایه محبت، به همراه حسن سلیقه، توجه به خواست زن در حفظ آراستگی، رعایت نظافت، استفاده از عطر و حساسیت به تأمین نیازهای زناشویی، به‌عنوان سبک زندگی انبیاء و اولیاء در عشق‌ورزی توأم با حفظ عفاف همسران، معروف بوده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶۷؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۲۲-۱۳۱؛ برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۶۰). پیامبر^{صلی الله علیه و آله} به‌عنوان فردی با نشاط، سعی در شادی همگان داشته، هزینه مجزایی برای خوشبویی صرف می‌کرد، به طوری که وجود او را از طریق خوشبویی حس می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۱).

در این سبک، توجه ویژه به آراستگی است. در نبود آینه، با نگاه در آب سر و موی خود را مرتب و شانه می‌کنند (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۳۴، ۹۶ و ۹۷). هیچ‌گاه ارتباط با همسر به بهانه ارتباط با خدا ترک نمی‌شود و لذت ارتباط با همسر در کنار لذت مناجات و ارتباط با خداوند، مورد توجه است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۰-۳۲۱). با کناره‌گیری از همسر، به بهانه زهد و عبودیت به طور جدی مخالفت می‌شود (همان، ص ۴۹۶). در غذا خوردن ترجیح با همسرگی با خانواده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۹۹) و از تنها نشستن بر سفره، در حد ممکن پرهیز می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۳۱).

پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} علی‌رغم مسئولیت‌ها، به همسران خود عنایت ویژه داشتند، به حدی که آمده است: «كَانَ يَطُوفُ عَلَيْهِنَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶۷؛ ج ۶، ص ۴۷۵)، بارها از ائمه از رنگ کردن مو و محاسن و... می‌پرسیدند. در پاسخ می‌فرمودند:

«إِنِّي رَجُلٌ أَحَبُّ النَّسَاءِ فَأَنَا أَتَصَنَعُ لَهُنَّ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۲). من مردی همسر دوست هستم و برای او، خود را می‌آرایم. یکی از دوستان امام باقر^ع، ایشان را در خانه‌ای زیبا و آراسته با لباسی زیبا و چهره‌ای آراسته و مرتب دید. روز بعد امام را در خانه‌ای ساده دیده و متحیر شد. امام با آگاهی از تحیر او، فرمود: دیروز شما پیش من آمدید، درحالی که من در خانه مربوط به همسرم بودم و او خود را آرایش کرده بود. من نیز خود را برای او آراستم. گفتیم تا شبه‌ای در ذهن تو نماند... (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۴۹).

پیامبر^ص با شهرت به صبر و بردباری، به‌عنوان عاطفی‌ترین مردم، هرگز به کسی ظلم نکرد و عذرخواهی را می‌پذیرفت. اهل تبسم و مزاح بود، نه بی‌ادب و بدصدا، خشن و سخت‌گیر (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۴۵-۱۴۸). اطرفیان را به القاب زیبا می‌خواند. چنان‌که عایشه را با نام حمیرا می‌خواند. نمود عصبانیت و خشم ایشان فقط در چهره بود و با یک عذرخواهی خشم فرو می‌نشست (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۹). این ویژگی‌ها، در سبک زندگی خانوادگی پیامبر چنان مشهود بود که دیگر زنان، رفتار همراه با نرمش پیامبر، در مقابل خواهش‌های بیش از اندازه و حاضر جوابی همسران را، به رخ همسران خود می‌کشیدند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۳۸۵). همچنین، ارتباط سرشار از کلمات مهرآمیز و عاشقانه میان حضرت علی^ع و حضرت زهرا^ع، علی‌رغم تلاش‌هایی که سعی در مخدوش جلوه دادن روابط این دو معصوم بوده، از نظرها پنهان نمانده است. با تعبیری چون روحی فداک، یا سیدی، یا سیدتی، حبیبی و... یا فاطمه^ع حبیبی و بنت^ع أحمد و... (محللاتی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۹۱).

امام علی^ع، درباره زندگی خود با فاطمه^ع زهرا^ع می‌فرماید: «در طول زندگی هرگز مخالفتی از او ندیدم و هیچ‌گاه کاری برخلاف میل من انجام نداد و هرگاه به او می‌نگریستم غم و اندوهم زایل می‌شد» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۶۳). حضرت زهرا^ع با احترام، کم‌توقعی، تحمل سختی‌ها و بی‌توجهی نسبت به ارزش‌های دروغین، همسرش را از خود راضی نگه می‌داشت (ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۷). در غیاب او، حافظ مال، آبرو و ناموس او و قدردان خوبی‌های او بود. در برابر مخالفان در حمایت از او چنان مصر بود که حتی مخالفان، همسرش را از نماز خواندن و شرکت در تشییع جنازه خود، محروم کرد (ر.ک: ابن شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۸، ص ۳۵۵؛ بحرانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۸۷۴؛ طبری آملی، ۱۴۱۳ق، ص ۶۸).

این رفتارها، حتی پس از وفات همسران معصومان^ع ادامه داشت و با وفاداری، همواره از ایشان به نیکی یاد می‌کردند. حضور بر سر قبر، ذکر، دعا، صدقه و قربانی به نیت ایشان، احترام به دوستان و بازماندگان همسر، و... در سیره‌شان بود. نمونه آن، رفتار رسول خدا^ص پس از رحلت حضرت خدیجه^ع است که پیوسته او را به نیکی یاد می‌کرد و با قربانی گوسفند، به نیت او، از آن به دوستان همسر خود می‌فرستاد (قتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۶۹؛ ابن‌بطریق، ۱۴۰۷ق، ص ۳۹۳؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۱۲). رفتار کریمانه معصومان^ع در برخورد با همسرانی که سر ناسازگار داشتند، سریان داشته است. رفتار پیامبر^ص با برخی از همسران، برخورد امام حسن مجتبی^ع و امام جواد^ع، گواه بر این مطلب است. با این توضیح که علی‌رغم وجود برخوردهای نامناسب برخی از

زنان پیامبر و برخی همسران و اطرافیان امامان، هیچ نوع روایت معتبر از تلاش انتقام‌جویانه یا رفتار مقابله به مثل، از پیامبر ﷺ و امامان ﷺ گزارش نشده است. در تعامل با همسران غیرمعصوم، که حتی برخی در ناسازگاری اقدام به قتل همسران معصوم خود کرده‌اند، با توجه به شخصیت قرآنی معصومان ﷺ، به‌عنوان الگوی عملی قرآن در عمل به «سو انتم لباس لهن» (بقره: ۱۸۷)، آنچه مشهود است رازداری و عدم افشای اختلاف و عیوب همسران همراه با توافل، صبر و اصلاح، روش‌ها و اصول در سبک زندگی معصومین است. از این‌رو، احادیث معتبر سیره در این مقوله بسیار معدود است. چنانچه مواردی از ناسازگاری در رابطه با زندگی خانوادگی ایشان سخن به میان آمده است، از سوی همسران یا به طریقی غیر از معصومان ﷺ ... و به نحو اشاره و در بیان توصیف نرمش کریمانه معصومین ﷺ در تنش‌ها است (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۱۷؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۶۹).

اصالت مهرورزی و نگاه تکریمی نسبت به زن، علی‌رغم نگاه جاهلانۀ استثماری به زن در آن دوران و حتی امروزه، جلوه‌ای از نگاه الهی به انسان، عدالت جنسیتی، دیگرخواهی، عدم توجه به منافع دنیوی و ترجیح پاداش آخروی در این مقوله است.

ارشاد اعضای خانواده

در سبک زندگی خانوادگی معصومان ﷺ بر اساس توصیه قرآنی: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...» (طه: ۱۳۲)؛ ارشاد خانواده در قول و عمل، همواره مورد عنایت و اهتمام بوده است. آموزش نماز و احکام دین از کودکی و پیش از شکل‌گیری شخصیت به کودکان، در سن هفت سالگی یا در نظر گرفتن توان و ظرفیت کودکان به روش عملی (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۹۳؛ راوندی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۷)، دعوت افراد خانواده به نماز اول وقت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۱، ص ۱۶۸؛ حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۵۲)، دعوت به شبزنده‌داری در شب‌های قدر و احیا (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۵۵ و ۱۴۸)، دعوت به پرهیز از اسراف (ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۱۴ و ۱۱۵؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۲۸۳) ... به‌عنوان نمونه، امام علی ﷺ در نامه به امام حسن ﷺ با توصیه‌های تربیتی به ارشاد فرزندان مشهود است (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۴).

رابطه متقابل والدین و فرزندان

در سبک زندگی معصومان ﷺ احترام به کودک از کودکی تا بزرگسالی، به گونه‌ای است که این احترام به طور نهادینه بین فرزندان و والدین برقرار می‌شود. به‌عنوان نمونه، پیامبر ﷺ به احترام حضرت زهرا ﷺ از جا برمی‌خاست، ایشان را می‌بوسید و جای خود می‌نشاند یا پیش از سفر، آخر از همه با او خداحافظی می‌کرد. در برگشت از سفر، اول از همه بر او وارد می‌شد. حضرت زهرا ﷺ نیز به تبع پدر، همین احترامات را رعایت می‌کرد (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۳۳). در چنین شرایطی، امام حسین ﷺ به گونه‌ای تربیت می‌شود که به احترام در حضور برادر بزرگ‌تر، سخن نگوید (همان، ص ۴۰۱). احترام والدین، در این سبک از یک سو، بر جایگاه محوری پدر در خانواده

و از سوی دیگر، بر نقش مادر به عنوان لازم‌ترین حقوق خانواده توجه شده است (ر.ک: نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۸۰؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲، ص ۴۱۵-۴۱۷).

صبر و اصلاح

به دلیل اهمیت بنیان خانواده و اثر اسوه‌های معصومان علیهم‌السلام در این زمینه و تناسب بحث الگو با مقتضیات زمان، خداوند مقدر فرمود که در مسیر زندگی اسوه‌های بزرگی چون لوط نبی علیه‌السلام، آسیه همسر فرعون و برخی امامان، همسرانی ناسازگار قرار گیرد تا با استمداد از سبک زندگی معصومانه، در ناسازگاری‌ها، راه روشن بوده و با تأکید بر منفوریت طلاق، فضیلت و خوش عاقبتی، از آن صابران باشد. در این موقعیت‌ها، اهل بیت علیهم‌السلام سختی‌ها را نردبان ترقی، و صبر در آن را ستوده‌ترین و برترین خوبی‌ها و رسیدن به رضای الهی می‌دانند که مظهر افتخار صبر، در مقابل آزار دیگران، به‌عنوان رأس ایمان، از ثمرات و زینت آن است (ر.ک: ارموی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۲۹۵، ۵۰، ۱۰۹؛ ج ۳، ص ۶۶؛ ج ۲، ص ۴۸۸)، از عمده شاخصه‌های بخش روابط در سبک معصومین علیهم‌السلام توجه به نیازهای همه‌جانبه، به‌ویژه محبت به همسر به‌عنوان کانون آرامش خانواده است که مستلزم شناخت حقیقی زن و حس مسئولیت در تربیت است. نمود آن، آموزش عملی ادب و امور معنوی مثل نماز یا توجه به احیای کودکان نشان از جدیت و سخت‌کوشی در تقویت بعد معنوی است و برخورد کریمانه با نامالیمات، با نمایش صبر و گذشت، جملگی به‌عنوان محور انسجام و تعالی خانواده است.

مدیریت خانواده

تقسیم کار

بر اساس سیره، به جهت قیومیت مرد در خانواده، سرپرستی و مدیریت کلان اداره خانواده بر عهده اوست (نساء: ۳۴). این امر عقلایی، به جهت توان مرد در مسائل اجتماعی، شمع اقتصادی و تلاش او در تحصیل ثروت، در حسن اجرای مسئولیت تأمین هزینه زندگی است. زن نیز به دلیل اهمیت نقش، جایگاه و کارایی خود در امور داخل خانواده، به ویژه تربیت و مسائل معنوی از کارهای بیرون خانه معاف است تا با معطوف ساختن تلاش و توجه خود در امر خانه و خانواده، محیط خانواده را از نظر روانی، امن و آرام نگه دارد؛ مسئله‌ای که در خانه حضرت زهرا علیها‌السلام نیز جریان داشت. ایشان با درخواست از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در تقسیم کار خانه، امور بیرون از خانه به حضرت علی علیه‌السلام و امور داخلی به حضرت زهرا علیها‌السلام واگذار شد. حضرت علی علیه‌السلام هیزم و آب می‌آورد، جارو می‌کرد و حضرت فاطمه علیها‌السلام آسیاب می‌کرد، خمیر درست می‌کرد و نان می‌پخت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۵۱). شاخصه این عملکرد، علی‌رغم مجاز بودن فعالیت‌های اجتماعی برای زن، توجه به استعداد طرفین برای هم‌افزایی در جهت آرامش و تعالی خانواده است.

تعاون و همکاری

کانون گرم خانواده، نیازمند صفا، همکاری و همدلی اعضای خانواده است، حضرت علی علیه‌السلام، علاوه بر امور بیرون خانه، در خانه نیز به حضرت زهرا علیها‌السلام در پاک کردن عدس و سبزی، جارو، آسیاب و دستاس کردن، نگهداری فرزندان

و... کمک می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۶). گاه رسول خدا با مشاهده این تعاون و همکاری، خود نیز به یاری ایشان می‌پرداختند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۵۰ و ۵۱؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۴۱). به‌ویژه که نیاز شدید فرزند به مادر، بخصوص در دوران نوزادی و کودکی، که وقت و توان زیادی از مادران را صرف می‌کند، او را یاری کنند. در این سبک و سیره خانواده، در وقت نیاز و حاجت همه با هم و در خوشی و ناخوشی کنار هم هستند (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۳۳۴). نمونه آن، داستان نذر خانوادگی حضرت زهرا[ؑ] به سه روز روزه برای شفای حسنین[ؑ] است که در سوره دهر بدان اشاره شده است. شاخصه عمده این سیره، وجود حس مسئولیت با همگرایی و هم‌پوشانی اعضای خانواده و انسجام به هدف آسایش دنیوی و تعالی معنوی است.

مسکن و چیدمان

مدیریت خانواده، امکانات و نحوه برخورداری و استفاده از آن، نقش تعیین‌کننده در سعادت و آسایش خانواده دارد. مسکن به‌عنوان عمده‌ترین مسئله در این بخش از سیره معصومان[ؑ] مورد توجه است. در این سبک، با توصیه به مد نظر قرار دادن همسایه پیش از خرید خانه، با رعایت اصل اعتدال در توجه به مسکن، وسعت خانه، مایه سعادت مؤمن و تنگی آن مایه شقاوت اوست و دعای مشهور و مکرر ایشان از خداوند، خانه وسیع است: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَ وَسَّعْ لِي فِي» (پابنده، ۱۳۸۲، ص ۲۴۸)؛ سقف خانه‌هایشان نه چنان بلند و بالاتر از هشت ذراع و نه به‌گونه‌ای که در ساخت خانه‌هاشان از آن کم گذارند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۱۴۹). از وجود تمثال و تصاویر جانداران پرهیز (ر.ک: برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۰۸-۶۱۱) و در طراحی ساختمان به مسائل بهداشتی، دینی (قبله)، تربیتی، امنیتی و... متناسب با امکانات، همواره توجه شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۷۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۲۹).

حضرت علی[ؑ]، خانه حضرت زهرا[ؑ] را در کنار مسجد مهیا کرد با پخش کردن ماسه نرم در اتاق، نصب چوب بین دو دیوار و رخت‌آویز افقی، که روی آن لباس پهن می‌کردند، پهن کردن زیرانداز، قرار دادن یک پشتی در اتاق (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۳۰) و محلی ساده، امن و بی‌آلایش را به‌عنوان نمازخانه در نظر گرفت. در این خانه، از پرده‌های مزین به نقاشی و تصاویر، مجسمه، تمثال؛ نقش و نگارها بر در و دیوار خانه پرهیز و بر نظافت و بهداشت از نجاست، گرد و غبار، تار عنکبوت تأکید می‌شد و با نگاه‌داشتن حیوانات اهلی، از حضور سگ در این خانه خبری نبود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۱۵۹؛ برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۱۲-۶۲۴).

از شاخصه‌های این بخش، مدیریت و اعتدال در زندگی و پرهیز از زخارف دنیا، در عین توجه به نیازها نمود دارد که همراه با استقامت ستودنی، در مقابل تمایلات دنیوی است.

از تحلیل محتوای مجموع آنچه از سبک اسوه‌ای بیان شده، شاخصه‌ای کلان بر اساس چگونگی عمل معصومین[ؑ] استنباط می‌شود و آن، جهت‌گیری عمل به هدف نهایت تعالی و بهره‌گیری از عمل و رفتار، مطابق جهان‌بینی الهی است که رسیدن به قرب الهی و پاداش اخروی، از ارکان آن است که تعبیر «تعالی حداکثری» شایسته آن است؛ با این توضیح که عموم معصومان[ؑ] به گونه‌ای عمل را انتخاب می‌نمایند که بیشترین اثر در رضایت الهی و

بالاترین پاداش اخروی را در پی داشته باشد که این شاخصه، از ترجیحات آنان هویداست که نمونه‌هایی نظیر بخشش غذا به یتیم، اسیر و فقیر، علی‌رغم نیاز و گرسنگی خود یا بخشش پیراهن عروسی به فقیر یا تقسیم کار با خادم خود و... نشان از ترجیح پاداش اخروی به متاع دنیوی، ساده‌زیستی به تجمل‌گرایی، دیگرخواهی به خودخواهی و... است. این امر نیازمند مسئولیت‌پذیری سخت‌کوشی و ایثار فوق‌العاده است و پیام اساسی سبک اسوهای آنان «استقامت عملی» است؛ چراکه در مقابل کشش طبیعت دنیوی انسان، صبر و استقامت لازم است و در راستای تعالی حداکثری، بالاترین اثر در تعالی همه‌جانبه مد نظر است. همچنین، در تحلیل محتوای سیره از بین مؤلفه‌های خانواده، توجه و اهتمام به مقوله ازدواج و نفی تجرد، احترام به والدین، تربیت فرزند و توجه به کرامت همسر، به جهت ظرافت وجودی جنس زن، بیشتر از سایر مؤلفه‌هاست که نشان از تأثیر بنیادین آنها در تحکیم خانواده است.

نتیجه‌گیری

- نقش اسوهای رسالت و امامت، علاوه بر دلالت بر توجه اسلام به سبک زندگی، نقش آفرینش سبک زندگی را ایفا می‌کند. بنابراین، کاربردی‌ترین اعتقاد اساسی در تحقق عملی سبک زندگی اسلامی است و تبلور سبک‌سازی در کارکرد اسوهای معصومان علیهم‌السلام نهفته است که اثر آن، هویت‌بخشی سبک زندگی، بهره‌وری زمان، پیشگیری و... است که نتیجه آن، رفع تشنگی در خانواده و توسعه موفقیت در خانواده است.

- سبک زندگی تجویزی اسلام، به‌طور کلی و در خانواده دارای مراتبی است که سبک زندگی معصومان علیهم‌السلام مطلوب‌ترین و با کیفیت‌ترین آن است و مدل تحقق‌یافته سبک زندگی خانوادگی معصومان علیهم‌السلام نمایانگر شاخصه راهبردی «تعالی حداکثری» است که با ترجیح مسئولیت‌پذیری به سهل‌انگاری، پاداش اخروی به متاع دنیوی، ساده‌زیستی بر تجمل‌گرایی، سخت‌کوشی به عافیت‌طلبی، دیگر دوستی به خودخواهی تحقق یافته و با «استقامت عملی»، اعجاب‌انگیزی در نفی تمایلات مادی بوده است.

در سبک زندگی خانوادگی معصومان علیهم‌السلام بیشترین اهتمام و دقت به «احترام به والدین»، «تربیت فرزند» و «توجه به حفظ کرامت و حقوق زن» است که هر سه، پایه‌های تحکیم خانواده محسوب می‌شوند.

- نفی فردگرایی در سبک زندگی معصومان علیهم‌السلام محسوس است. جلوه آن، در تأکید همه‌جانبه به تسهیل ازدواج و تحکیم خانواده نیز در گرو پابندی به سبک زندگی معصومان علیهم‌السلام است که عدم توجه به آن، شنا برخلاف مسیر آب و منجر به مشکلات و گرفتاری‌های جسمی و روانی جبران‌ناپذیر می‌شود.

- در مجموع، فرد یا خانواده‌ای که در زبان ادعای پیروی از معصومان علیهم‌السلام دارند و در کردار هماهنگ نیستند، یا دارای چهل مرکب یا متناسب با میزان ناهماهنگی، دچار درجه‌ای از نفاق عملی‌اند که نیاز به کمک فکری داشته و رفع آن، مستلزم مسئولیت‌شناسی مسئولان مربوط و اهل فرهنگ و تبلیغ است!

پی‌نوشت‌ها

* مثل ماجرای ازدواج جویری سیاه‌پوست که نه مال و حسب و نسبی نداشت با زلفا دختر زیبا و صاحب مکتب زیادین لیبید از شریف‌ترین خاندان بنی‌یاضه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵ ص ۳۴۱).

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تحقیق صبحی صالح، قم، هجرت.
- ابن بطریق، یحیی بن حسن، ۱۴۰۷ق، *عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الأبرار*، قم، نشر الاسلامی.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، ۱۳۸۵، *دعائم الإسلام*، چ دوم، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۸۲، *تحف العقول*، ترجمه احمد جنتی، چ دوم، تهران، امیرکبیر.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹، *مناقب آل ابی طالب* علیه السلام، قم، علامه.
- اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱، *کشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تبریز، بنی هاشمی.
- ارموی، جلال الدین، ۱۳۶۶، *غرر الحکم و درر الکلم*، شرح آقا جمال خوانساری، چ چهارم، تهران، دانشگاه تهران.
- بحرانی، سیدهاشم، ۱۴۱۳ق، *حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آلہ الأطهار* علیهم السلام، قم، المعارف الإسلامیه.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد، ۱۳۷۱، *المحاسن*، چ دوم، قم، دارالکتب الإسلامیه.
- بروجردی، آفاحسین، ۱۳۸۶، *جامع أحادیث الشیعة*، تهران، فرهنگ سبز.
- پابنده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحة*، چ چهارم، تهران، دنیای دانش.
- جزائری، نعمت الله، ۱۳۸۱، *قصص الأنبياء*، چ دوم، تهران، فرحان.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، آل البيت علیهم السلام.
- _____، ۱۴۱۴ق، *هدایة الأمة الی أحكام الأئمة*، مشهد، مجمع البحوث الإسلامیه.
- حسینی نسب، سید داود و علی اصغر اقدم، ۱۳۷۵، *فرهنگ واژه‌ها*، چ دوم، تبریز، احرار.
- حلی، ابن فهلاحمد بن محمد، ۱۴۰۷ق، *عمدة الداعی و نجاح الساعی*، بیروت، دارالکتب الإسلامی.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، *قرب الإسناد*، قم، آل البيت علیه السلام.
- راوندی، قطب الدین، ۱۳۷۶، *قصص الأنبياء*، مشهد، مرکز پژوهش‌های اسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۳۷۷، *شرح مصباح الشریعة*، ترجمه عبدالرزاق کیلانی، تهران، پیام حق.
- _____، بی تا، *مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة والأولاد*، قم، بصیرتی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضره الفقیه*، چ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۷۰، *مکارم الأخلاق*، چ چهارم، قم، شریف رضی.
- طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۶۵، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، چ دوم، نجف، المكتبة الحیدریة.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۲۲ق، *تاج الموالید*، بیروت، دارالقاری.
- طبری آملی، محمد بن جریر، ۱۴۱۳ق، *دلائل الإمامة*، قم، بعثت.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، چ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ق، *تهذیب الأحکام*، چ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- _____، ۱۴۱۱ق، *الغیبة*، قم، دارالمعارف الإسلامیه.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، *تفسیر نور النقلین*، چ چهارم، قم، اسماعیلیان.
- عریضی، علی بن جعفر، ۱۴۰۹ق، *مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها*، قم، آل البيت علیهم السلام.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، *تفسیر العیاشی*، تهران، المطبعة العلمیه.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، ۱۳۷۵، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، قم، رضی.

- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، تفسیر قمی، چ سوم، قم، دارالکتاب.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸، تفسیر کنزالدقائق و بحوالعنوانب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، چ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۹۱، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، چ هفتم، تهران، نشر نی.
- مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶ق، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، چ دوم، قم، کوشانبور.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، چ دوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- محلاتی، ذبیح‌اله، ۱۳۸۵، ریاحین الشریعة، چ هفتم، تهران، اسلامیة.
- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، الإفصاح فی الإمامة، قم، کنگره شیخ مفید.
- نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البیته.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی